

وضعیت اجتماعی عراق بعد از سقوط نظام بعثی

دکتر زاهد غفاری هنجین / استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد z_ghafari@yahoo.com
دکتر عباس کشاورز شکری / استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد
هاییل حیدرخانی / کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی

چکیده:

گرچه حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳ منجر به سقوط نظام بعثی شد، اما از لحاظ اجتماعی مشکلاتی را در این کشور به بار آورد. این مقاله با هدف شناخت وضعیت اجتماعی عراق جدید، در پی پاسخ به این سؤال است که وضعیت اجتماعی عراق بعد از سقوط نظام بعثی چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال با استفاده از روش مطالعات تاریخی و بهره‌گیری از منابع و اسناد قابل دسترس، وضعیت اجتماعی مردم عراق بعد از سقوط صدام در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. با مطالعه وضعیت اجتماعی جامعه عراق از لحاظ قومی-فرقه‌ای، اقتصادی، نظام آموزشی و بهداشتی و درمانی این نتیجه حاصل شده است که وضعیت اجتماعی زندگی مردم عراق، در طول هفت سال دوره اشغال و اتخاذ سیاست‌های ناکارآمد نه تنها بهبود نیافته است، بلکه مشکلات تازه زیادی نیز به وجود آمده است.

کلیدواژه: عراق، نظام بعثی، وضعیت اجتماعی، وضعیت قومی-فرقه‌ای.

تاریخ تایید ۱۳۸۹/۵/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۳/۹

مقدمه:

در مارس ۲۰۰۳ م (۲۹ اسفند ۱۳۸۱ ش) با بهانه‌های واهی و با ادعای ایجاد دموکراسی و صدور آزادی عراق توسط آمریکا و متحدانش درگیر جنگ و آسیب‌های ناشی از آن شد. گرچه آمریکایی‌ها قبل از حمله وعده‌های فراوانی را مبنی بر بهبود اوضاع عراق دادند، اما از همان روزهای آغازین جنگ معلوم شد که این وعده‌ها برای مردم عراق چیزی به جز سراب نیست. اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ اگرچه به سقوط دیکتاتوری صدام حسین انجامید، اما مشکلات گسترده‌ای در عراق به بار آورد که با وعده‌های اولیه دولتمردان آمریکایی کاملاً متفاوت بود.

با توجه به استمرار بحران در جامعه عراق، دشواری دسترسی به اطلاعات و تلاش آمریکایی‌ها در جهت کنترل رسانه‌ها از یک سو (۱) و اهمیتی که مسائل عراق از لحاظ منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، این مقاله با هدف بررسی چگونگی وضعیت اجتماعی عراق بعد از سقوط صدام از سال ۲۰۰۳ تا کنون به دنبال پاسخ به این سؤال است که وضعیت اجتماعی عراق از سقوط نظام بعثی تا به امروز چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این سؤال ابعاد مهمی از زندگی اجتماعی مردم عراق از لحاظ قومی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته است.

۱. وضعیت قومی - فرقه‌ای

کشور عراق با برخورداری از تاریخی کهن از تمدن‌های سومری، آکدی و آشوری در عصر باستان گرفته تا دوران خلافت عباسی، عثمانی و حاکمیت حزب بعث عراق تا برقراری دموکراسی شکننده کنونی، محل زیست اقوام و مذاهب گوناگون بوده است؛ امری که ویژگی خاصی به جامعه عراق بخشیده است و مشابه آن را در جهان عرب تنها می‌توان در جامعه‌ای مانند لبنان پیدا کرد. جامعه کنونی عراق با بیش از ۳۰ میلیون نفر جمعیت (بر اساس آمار ۱۳۸۶) برخوردار از یک ترکیب ناهمگون قومی و مذهبی است (۲). از لحاظ مذهبی بیش از ۹۳ درصد مردم عراق مسلمان هستند. از این تعداد ۶۰ تا ۶۵ درصد شیعه و ۳۰ تا ۳۵ درصد سنی می‌باشند. همچنین اقلیت‌های مسیحی، یهودی، آشوری، یزیدی و صابئی ۵ درصد جمعیت عراق را شامل می‌شوند. به لحاظ قومی نیز حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد مردم این کشور را عرب، ۱۵ تا ۲۰ درصد کرد و حدود ۵ درصد را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند. در کنار این تنوع، در هم تنیدگی‌ها و پیوندهای متداخل قومی -

مذهبی به پیچیدگی اوضاع و تشدید شکاف‌ها کمک کرده است. وجود کردهای سنی در شمال و شمال شرق، عرب‌های سنی در مرکز و غرب، عرب‌های شیعه در جنوب و ترکمن‌های سنی در شمال و شمال شرق، در هم آمیختگی مرزهای قومی - فرقه‌ای در عراق را آشکار می‌سازد. (۳) آنچه بر این پیچیدگی قومی و مذهبی افزوده است، وجود ساختار قبیله‌ای و عشیره‌ای در جامعه عراق است که بر اساس آن رفتارهای اجتماعی و سیاسی افراد بر اساس وفاداری و نگرش‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای تعریف می‌شود. (۴)

در نتیجه وضعیت مذکور بخشی از مسائل و مشکلات اجتماعی مهم در عراق بعد از سقوط صدام، مشکلات ناشی از شکاف‌های قومی - فرقه‌ای است. عراق از منظر جامعه شناختی با بافت اجتماعی موزاییکی و شکاف‌های متعدد قومی و فرقه‌ای از قابلیت‌های بالایی برای انتقال تنش‌های اجتماعی، نامنی‌ها و بی‌ثباتی‌ها برخوردار است. (۵)

فرقه‌گرایی و قوم‌گرایی به عنوان یکی از اصلی‌ترین موانع امنیت سازی در عراق جدید به این دوره محدود نمی‌شود و در ساختار اجتماعی و آگرای عراق از یک سو، و سیاست‌های فرقه‌ای - قومی صدام حسین از سوی دیگر، ریشه دارد. (۶) در دوران حکومت صدام حسین، گروه‌ها، اقوام و قبیله‌های مختلف دارای اسلحه نبودند، بین آن‌ها برخورد نظامی خشونت بار وجود نداشت و بدین صورت پس زمینه‌ای از صلح در جامعه برقرار بود که بر تعاملات و معادلات سیاسی سایه افکنده بود، در واقع در این دوره یک «صلح منفی» حاکم بود. در عراق دوره بعث صلح به معنای فقدان برخوردهای خشونت آمیز وجود داشت، اما صلح به معنای برخورداری از گروه‌های مدنی و اتصال‌های فرا سنتی کمترین حضوری نداشت. (۷) رهبران بعثی تلاش می‌کردند که تاریخ را نادیده بگیرند، هر چند این موضوع یک واقعیت انکارناپذیر دارد که «تاریخ برای مسلمانان از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است». (۸)

برای بررسی شکاف‌های موجود در عراق در تعریف دیگر می‌توان آنها را به دو دسته فعال و غیرفعال تعریف کرد. شکاف‌های اجتماعی غیرفعال، وقتی فعال می‌شوند که بر پایه آنها گروه‌بندی‌های سیاسی شکل گیرد. این تعریف از شکاف‌های اجتماعی به خوبی وضعیت جامعه عراق را در قبل و بعد از اشغال نشان می‌دهد. در کشور عراق بعد از حمله ی آمریکا شکاف‌های اجتماعی غیر فعالی که در گذشته وجود داشتند تبدیل به شکاف‌های فعال شدند. (۹) حمله آمریکا به عراق که با بی‌اطلاعی رهبران آمریکا به مانند بسیاری از پژوهشگران مسائل منطقه از عمق گسل‌های مذهبی، نژادی، قومی و زبانی عراق

که ریشه در تاریخ این کشور دارد و قرن‌ها در بطن جامعه داشته است همراه بود، باعث فعال شدن شکاف‌های غیر فعال و ایجاد بحران شد. (۱۰) حرکت نظامی آمریکا چارچوب‌های گذشته را که مانع از هر گونه قوم‌گرایی، مذهب‌گرایی و نژاد‌گرایی برخلاف منافع حکومت و اولویت‌های آن بود را به هم ریخت و فرصت برخاستن جنگ‌هایی را که ماهیت مدرن اجتماعی درون کشوری دارند، پدید آورد. جنگ‌های قومی به معنای اینکه «بازیگران مدعی یا گروه‌ها، خودشان و یا یکدیگر را در چارچوب معیارهای قومی تعریف می‌کنند». (۱۱)

در عراق جدید، فقدان توافق و مصالحه سیاسی بین گروه‌های اجتماعی، به ویژه مقاومت اعراب سنی در برابر روند سیاسی جدید در تشدید مشکلات امنیتی بسیار تأثیرگذار بوده است. (۱۲) البته هر چند بین گروه‌های شیعی و سنی تا حدودی اشتراکات فرهنگی، زبانی و قومی وجود دارد (۱۳) اما اهداف و منافع متفاوت و حتی متناقض گروه‌های شیعی، سنی و کرد در ساختار سیاسی عراق مانعی عمده برای ایجاد نهادهای سیاسی مشروع و مصالحه سیاسی است. (۱۴) این گروه‌ها بیش از آنکه دوره جدید را فرصتی برای ایجاد لیبرال دموکراسی تلقی کنند، آن را فرصتی برای پرداختن به بی‌عدالتی در توزیع قدرت در میان جوامع و گروه‌های اصلی این کشور قلمداد می‌کنند. (۱۵) اما مسئله مهمی که در اینجا وجود دارد این است که علاوه بر اختلافات و تنش‌های بین گروه‌های داخلی عراق، مخالفت و اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های افراطی سنی مرتبط با القاعده و بعثیون علیه دولت عراق، نیروهای ائتلاف و شهروندان عراقی به ویژه شیعیان، در آغاز و تداوم مشکلات اجتماعی عراق و تشدید خشونت‌ها تأثیر داشته است. (۱۶) تمرکز اصلی فعالیت‌های القاعده و بعثی‌ها به عنوان مهم‌ترین مخالفان مسلح دولت مالکی، بر تشدید جنگ مذهبی بین شیعیان و اهل سنت قرار داشته است. (۱۷)

هر چند اقدامات و سازماندهی شورشیان سنی متشکل از بعثیون و گروه القاعده در سال‌های ابتدایی اشغال پراکنده و نسبتاً ضعیف بود، اما به تدریج بر دامنه فعالیت‌های شورشیان افزوده شد و خشونت‌ها روز به روز در جامعه عراق بیشتر شد به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۶ به اوج خود رسید. گسترش اقدامات خشونت‌آمیز شورشیان، به ویژه در مقابل غیرنظامیان شیعی باعث رادیکال شدن فضای داخلی عراق و افزایش خشونت‌های فرقه‌ای به ویژه بعد از انفجار سامرا در فوریه ۲۰۰۶ شد. (۱۸)

گروه القاعده در رادیکال کردن فضای درونی عراق و تشدید خشونت‌های فرقه‌ای بین

شیعیان و سنی‌ها نقش برجسته‌ای داشته است. این گروه برای تشدید ناامنی‌ها در داخل عراق و در نتیجه تضعیف شیعیان عراق سعی کرده است از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی داخل این کشور به بهترین نحو استفاده کند و با تحریک سنی‌ها و شیعیان علیه یکدیگر زمینه‌های لازم را برای ایجاد جنگ داخلی مهیا سازد. با توجه به افزایش خشونت‌های فرقه‌ای در عراق به ویژه تا اواخر سال ۲۰۰۷، به نظر می‌رسد القاعده در این خصوص تا حد زیادی موفق بوده است. (۱۹)

این اقدامات خشونت آمیز ناشی از شکاف‌های قومی و فرقه‌ای پیامدهای اجتماعی را در سراسر عراق به همراه داشته است. از جمله پیامدهای اصلی این اختلافات، وخامت شرایط امنیت انسانی در عراق است که آوارگی، مهاجرت و مرگ و میر در سطح بالایی از جمعیت عراق در نتیجه‌ی این ناامنی‌ها، از ابعاد قابل توجه آن می‌باشد. پیامد دیگر این اختلافات و شکاف‌ها گسترش تروریسم و تبدیل عراق به پایگاهی برای شکل‌گیری و پرورش گروه‌های تروریستی است. این پدیده قبل از اشغال عراق وجود نداشت و عملکرد نیروهای آمریکا در عراق در این خصوص تأثیری مستقیم داشته است. (۲۰)

این خشونت‌ها علاوه بر کشتار مردم عراق به کشته شدن هزاران تن از سربازان آمریکایی نیز انجامیده است. البته همان طور که ذکر شد اوج این خشونت‌ها به سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ برمی‌گردد، به نحوی که حملات هفتگی در عراق از ۱۱ فوریه ۲۰۰۶ تا ۱۹ می ۲۰۰۶ حدود ۶۱۰ مورد بوده است. این میزان از ۲۰ می ۲۰۰۶ تا دسامبر ۲۰۰۶ به حدود ۸۰۰ مورد رسیده و از ژانویه تا فوریه ۲۰۰۷ به بیش از ۱۰۰۰ مورد افزایش یافت. (۲۱)

از سال ۲۰۰۸ به بعد با تلاش‌هایی که دولت و احزاب عراقی و همچنین نیروهای آمریکایی انجام دادند شرایط امنیتی به صورت نسبی بهبود یافت. این بهبود به گونه‌ای بود که باعث شد انتخابات استانی در ژانویه ۲۰۰۹ با شرایط امنیتی مناسب و مشارکت سیاسی فعال گروه‌های عراقی برگزار گردد. در این انتخابات وظیفه برقراری امنیت بر عهده احزاب دولت عراق بود و آمریکایی‌ها فقط از راه‌های هوایی بر این انتخابات نظارت داشتند. (۲۲)

با خروج نیروهای آمریکایی از شهرهای عراق و استقرار آنها در پایگاه‌های نظامی خارج از شهرها وظیفه امور امنیتی عراق به پلیس و ارتش این کشور سپرده شد. (۲۳) این اقدام نیروهای آمریکایی از لحاظ امنیتی و کاهش خشونت‌ها برای عراق بسیار مفید بود به نحوی که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ به جز چند انفجار جزئی هیچ گونه مشکل امنیتی به وجود نیامد. البته در ماه‌های بعد از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ تا به امروز نیز

انفجارهایی رخ داده است که اگرچه تعداد آنها با گذشته قابل مقایسه نیست اما با این وجود باز هم نگران کننده است. بنابراین می‌بینیم یکی از سوغاتی‌های آمریکا برای مردم بی‌گناه عراق، ظهور خشونت‌های قومی - مذهبی و در نتیجه گسترش نا امنی است که از ابتدای سقوط صدام تا به امروز بر فضای عراق حاکم بوده است. برای بهبود کامل این وضعیت تنها می‌توان امیدوار بود که شاید با خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق دیگر شاهد این خشونت‌ها در عراق نباشیم.

۲. وضعیت اقتصادی و رفاهی

وضعیت اقتصادی عراق در دوره صدام حسین مناسب نبود. در این دوره رژیم حاکم بر عراق، به جای آنکه بکوشد با از میان برداشتن موانع، اقتصاد را شکوفا سازد، بحران‌های داخلی در منطقه کردستان، واگرایی سیاسی، جنگ با همسایگان به خصوص ایران و کویت را پدید آورد. تجاوز عراق به کویت و حوادث بعد از آن، صحنه اقتصادی عراق را کاملاً دگرگون ساخت. (۲۴) جنگ اول خلیج فارس و حمله به کویت و مجازات‌های ناشی از آن، اقتصاد عراق را کاملاً ضعیف‌تر کرد. بمباران‌های هوایی سال ۱۹۹۱ - ۱۹۹۰ به بسیاری از زیر ساخت‌های نفتی، حمل و نقل، برق، آب و زیرساخت‌های صنعتی آسیب وارد کرد. بنابراین با توجه به اینکه اقتصاد عراق کاملاً به درآمدهای نفتی وابسته بود مجازات‌های اقتصادی و تحریم‌ها بر اقتصاد عراق تأثیر گذاشت و رژیم بعثی را تحت فشار قرار داد. (۲۵) به طور کلی می‌توان گفت دهه ۱۹۹۰ برای اقتصاد عراق، دوران کمبودها، جیره‌بندی مواد غذایی، تورم شدید، از بین رفتن تجارت خارجی و بدهی‌های گسترده بود. این وضعیت ادامه داشت تا اینکه دولت بوش تصمیم به حمله به عراق و تمام کردن غائله کویت گرفت. نیروهای اشغالگر در ابتدای ورود به عراق اعلام کردند که قصد دارند اوضاع اقتصادی مردم را سر و سامان ببخشند. اما از همان ابتدا کار به جایی رسید که مردم حتی برای سیر کردن شکم خود با مشکل مواجه شدند. همان کسانی که سال‌ها با محاصره اقتصادی عراق و اعمال تحریم‌های مختلف باعث مرگ و نابودی هزاران عراقی اعم از مرد و زن و کودک شدند، از همان ابتدای تسلط بر عراق نه تنها به فکر ایجاد زیرساخت‌های مناسب اقتصادی نبودند بلکه تنها به فکر غارت منابع طبیعی و عقد قراردادهای یکطرفه به سود شرکت‌های غربی و آمریکایی بودند.

در همان ابتدای حمله مشکلات عدیده‌ای مانند ظهور توده‌های گسترده فقیر شهری،

روستاییان بیکار، ظهور پدیده گسترده قاچاق و بازار سیاه که در موارد متعدد، با مشارکت نیروهای اشغالگر صورت می‌گرفت به وجود آمد و تنها تصویری که حتی در رسانه‌های آمریکایی از عراق موجود بود شامل کمبود شدید آب و برق، انبوه زباله در خیابان‌ها، انفجار لوله‌های نفت و هدر رفتن آنها، قاچاق کالا، آوارگی، فقر و... می‌شد. (۲۶) در سال ۲۰۰۳ نرخ بیکاری در عراق به ۶۰ درصد رسید.

با اینکه آمریکایی‌ها همچنان داعیه بهبود وضعیت اقتصادی را داشتند اما چالش‌های اقتصادی مانند گذشته به انحاء مختلف آشکار می‌شد. به طوری که در دولت شیعی موقت ابراهیم جعفری در سال ۲۰۰۵ بحران بیکاری به شدت موجب تشدید وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی شده بود. بر اساس نظرسنجی به عمل آمده در آن سال، مردم عراق اعم از شیعه و سنی، از بین چهار گزینه بیکاری، جنایت، زیرساختار امنیت ملی و نیروهای چند ملیتی، بحران بیکاری را مهم‌ترین مشکل کشور دانستند. (۲۷) بر اساس تحقیق یک گروه بریتانیایی در همین سال، ۴۰ درصد از شیعیان عراق از مشکل بیکاری رنج می‌بردند (۲۸). این وضعیت نشان دهنده واقعیت تلخ نابسامانی‌های اقتصادی عمیق به ارث رسیده از سیاست‌های جنگ طلبانه و ویرانگر رژیم صدام از یک سو، و تحریم‌های همه جانبه اقتصادی چندین ساله این رژیم از سوی دیگر بود که با اقدام نظامی آمریکا و برخی هم پیمانان این کشور در مارس ۲۰۰۳ متعاقب آن فروپاشی بنای بی بنیان اقتصادی عراق و زیرساختارهای آن آشکار شده بود.

البته وضعیت نامناسب اقتصادی در عراق صرفاً محدود به سال‌های ابتدایی سقوط صدام نمی‌شود و تا به امروز ادامه داشته است. در سال ۲۰۰۶ که اولین دولت دائمی در عراق تحت رهبری نوری مالکی روی کار آمد، میزان بیکاری به صورت رسمی ۳۷/۲ درصد اعلام شد. در این سال وزیر بازرگانی عراق نیز اعلام کرد که میزان بیکاری ملی و کم کاری در این کشور بین ۵۰ تا ۶۰ درصد است و وزیر کار و امور اجتماعی این کشور این آمار را بیش از ۶۰ درصد اعلام کرد. (۲۹) هم اکنون میزان بیکاری در عراق به ۲۸ درصد رسیده است. هر چند میزان بیکاری در عراق تا به امروز همواره رو به کاهش بوده است اما هنوز هم آمار بیکاری نسبت به استانداردهای جهانی بسیار بالاست. علاوه بر این بعد از گذشت بیش از هفت سال از سقوط صدام و کاهش میزان بیکاری وضعیت زندگی مردم عراق بهبود چندانی پیدا نکرده است و بسیاری از مشکلات ناشی از وضعیت نامناسب اقتصادی بر زندگی آنها حکمفرماست.

علاوه بر بیکاری یکی از مهم‌ترین مشکلات مردم عراق طی سال‌های پس از اشغال رشد شدید نرخ تورم بوده که آثار مخربی بر اقتصاد و معیشت مردم این کشور داشته است. بر اساس گزارش نشریه مید «نرخ تورم عراق از ۳۳.۶ درصد در سال ۲۰۰۳ به بیش از ۵۴.۲ درصد در سال ۲۰۰۶ رسیده است». (۳۰) البته نرخ تورم عراق از سال ۲۰۰۷ رو به کاهش گذاشت و در سال ۲۰۰۸ به حدود ۲۰ درصد رسید. (۳۱) مهم‌ترین علت کاهش شدید نرخ تورم عراق در سال ۲۰۰۸ افزایش عرضه فرآورده‌ها و محصولات نفتی در بازار این کشور بوده است.

بر اساس گزارش نشریه مید، «در اواخر سال ۲۰۰۹ نرخ فقر در عراق بسیار بالا بوده و حدود ۲۳ درصد از مردم این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کردند. بر اساس آمارهای وزارت برنامه ریزی عراق در سال ۲۰۰۹، بیش از ۹۳۰ هزار نفر از مردم این کشور که معادل ۳ درصد جمعیت هستند هیچ‌گونه امنیت غذایی نداشتند. همچنین بیش از ۶.۴ میلیون عراقی معادل ۲۲ درصد جمعیت نیز به کارت‌های سهمیه بندی غذا وابسته بودند. (۳۲) سازمان ملل متحد نیز در سال ۲۰۰۸ در گزارش خود اعلام کرد «بیش از ۴ میلیون نفر از مردم عراق با کمبود شدید مواد غذایی روبرو هستند. همچنین این سازمان بیکاری را یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی در عراق دانست». (۳۳)

در طول اشغال عراق تاکنون نظرسنجی‌های متفاوتی در عراق به عمل آمده است که نشان دهنده نارضایتی‌های گسترده عراقی‌ها از شرایط حاکم بر کشورشان است. البته این نارضایتی‌ها ابعاد گوناگونی داشته است، اما عمده‌ترین این نارضایتی‌ها از شرایط اقتصادی بوده است. یکی از نظرسنجی‌های مهم در سال ۲۰۰۷، با استفاده از سیستم سه بعدی، نظرسنجی جدیدی برای BBC، ABCNEWS، تلویزیون آلمانی ARD و روزنامه USA Today انجام شد. این نظرسنجی نشان داد عراقی‌ها علاوه بر خشونت و فقدان امنیت، از شرایط زندگی رقت باری، رنج می‌برند. (۳۴)

وضعیت نامناسب اقتصادی و فقر شدید در عراق بعد از سقوط صدام پیامدهای زیادی را به دنبال داشته است، از آثار بسیار مهم این وضعیت، ظهور پدیده قاچاق زنان و کودکان است. زنان و کودکانی که به علت شرایط بد زندگی خانواده‌ها با قیمت بسیار کم توسط باندهای قاچاق از خانواده‌ها خریداری و به خارج از مرزهای عراق منتقل می‌شوند. البته ریشه اصلی این پدیده ناشی از دو دلیل است: اول وضعیت ضعیف اقتصادی مردم، و دوم سودجویی باندهای قاچاق گسترده‌ای که بعد از حمله آمریکا به عراق، به شدت در این

کشور فعالیت می‌کنند. روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی تکان دهنده، از قاچاق کودکان در این کشور خبر داده و نوشته است: «به علت وجود فقر عمومی در عراق باندهای قاچاق، نوزادان عراقی را با قیمت‌های بسیار پایین خریداری کرده و آنها را از مرزها خارج می‌کنند. به دلیل نبود وجود مراکز آمارگیری دقیق در عراق، هنوز نمی‌توان تعداد دقیق قاچاق کودکان از عراق را اعلام کرد. اما آژانس‌های کمک‌رسانی اعلام کرده‌اند که از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۰۹، آمار قاچاق کودکان حدود یک سوم افزایش داشته است.» (۳۵)

گاردین در ادامه گزارش خود آورده است، «مقامات عراقی معتقدند ۱۲ باند قاچاق انسان در این کشور فعالیت می‌کنند که معمولاً طعمه‌های خود برای خرید کودکان را از بین خانواده‌های فقیر و بیکار انتخاب می‌کنند و برای خرید کودکان با توجه به سوابق کودک و وضعیت سلامتی‌اش، بین ۲۰۰ تا ۴۰۰۰ پوند پرداخت می‌کنند.» این روزنامه انگلیسی مقصد این کودکان را کشورهایی نظیر امارات، اردن، ترکیه، سوریه و برخی از کشورهای اروپایی مانند سوییس، ایرلند، انگلیس، پرتغال، و سوئد اعلام کرده است. نکته دردناک آن است که گاهی اوقات این کودکان به خارج منتقل می‌شوند تا اعضای بدن آنها به دیگری منتقل شود. (۳۶)

علاوه بر قاچاق کودکان، گسترش شدید قاچاق زنان و روسپی‌گری نیز از جمله پدیده‌هایی هستند که به علت وجود وضعیت نامناسب اقتصادی در عراق بعد از سقوط صدام شیوع یافته است. شرایط سخت اقتصادی و فقر، تعدادی از خانواده‌ها را وادار به فروش دختران خود به باندهای قاچاق کرده است. با توجه به اینکه برخی از خانواده‌های عراقی بر اثر جنگ سرپرست خود را از دست داده‌اند، برای امرار معاش مجبور شده‌اند بدترین تصمیم زندگی خود را بگیرند و دختران خود را به باندهای قاچاق انسان در عراق بفروشند. بر اساس گزارشی که مجله «تایم» منتشر کرد، «بسیاری از دختران عراقی که به دست خانواده‌های خود به باندهای قاچاق فروخته می‌شوند باکره بوده و سن آنها کمتر از ۱۶ سال است.» وضعیت زنان در عراق به حدی اسفناک شد که «نوال سامرای» وزیر دولت در امور زنان به دلیل اعتراض نسبت به اوضاع زنان عراقی از سمت خود استعفا داد و گفت: «وضعیتی که اکنون زنان عراقی در آن به سر می‌برند، اصلاً شایسته جایگاه مقام زن نیست.» (۳۷)

آمار دقیقی از تعداد زنان قاچاق شده وجود ندارد اما وزارت امور خارجه ایالات

متحده در گزارشی آورده است که تعداد نامعینی از دختران و زنان عراقی به دلیل نامناسب بودن شرایط اقتصادی شان به امارات، سوریه، اردن، یمن، و دیگر کشورهای خلیج فارس برای استثمار جنسی قاچاق می شوند. (۳۸) همچنین بر اساس آمارهای OWFI، ۱۵ درصد از زنان بیوه عراقی به دنبال ازدواج‌های موقت یا روسپی‌گری هستند. اگرچه آمارهای قابل اعتماد چندانی در این زمینه در دسترس نیست، اما سخنگوی OWFI اظهار می‌کند نزدیک به ۳۵۰ هزار زن بی سرپرست تنها و فقیر در بغداد وجود دارند و ۸ میلیون نفر دیگر در سراسر عراق پراکنده‌اند. این زن‌ها گاه برای حمایت از فرزندان و عزیزانشان چاره‌ای جز روی آوردن به روسپی‌گری ندارند. (۳۹) در هر صورت مشکل روسپی‌گری برای بقا در بین زنان تنگدست عراقی چه آواره و چه بی پناه به طرز چشمگیری وجود دارد. بعد از حمله آمریکا به عراق که با وعده‌های پوچ و واهی بسیاری همراه بود، نه تنها وضعیت اقتصادی نامناسب به جا مانده از دوره صدام حسین بهبود پیدا نکرد بلکه حتی بدتر از گذشته شد؛ به طوری که امروز بعد از گذشت بیش از هفت سال از سقوط صدام شاهد فقر و بیکاری گسترده در میان مردم عراق هستیم، تا جایی که وضعیت رقت بار زندگی بسیاری از خانواده‌های عراقی را وادار به فروش کودکان و دختران خود به باندهای قاچاق کرده است.

۳. وضعیت نظام آموزشی

وضعیت نظام آموزشی در سطح ابتدایی در دوران صدام حسین نسبت به دوره‌های پیشین تا حدودی بهبود یافت. در این دوره، شمار مدارس عراق در نتیجه تصویب قانون آموزش اجباری در دهه ۱۹۷۰ به دو برابر افزایش یافت و میزان باسوادی بسیار بالا رفت به طوری که ثبت نام در مدارس ابتدایی به ۱۰۰ درصد رسید. همچنین در این دوره برنامه‌ای عظیم برای ریشه کنی بی سوادی ترتیب یافت و مردم برای پرهیز از تبعات قانونی، بچه‌هایشان را به مدرسه می‌فرستادند. به علاوه، کارگزاران آموزشی و آموزگاران ترجیح می‌دادند عمدتاً برای امنیت شغلی به حزب حاکم پیوندند، اما به هر حال باید از نظر علمی تأیید می‌شدند. (۴۰) البته در این دوره تبعیض‌هایی بر علیه شیعیان وجود داشت، زیرا اگر چه تحصیل به صورت رایگان بود اما میزان ثبت نام در مناطق سنی نشین بسیار بالاتر از مناطق شیعه نشین بود. (۴۱)

از زمان حمله آمریکا به عراق، وضعیت نظام آموزشی در عراق بسیار بدتر شده و این

وضعیت تا به امروز نیز همچنان ادامه داشته است. دلایل متعددی برای ناکارآمدی نظام آموزشی در عراق بعد از صدام وجود دارد که از همان ابتدای حمله تا به امروز تأثیر منفی اش را در گرایش به تحصیل در بین مردم عراق نشان داده است و باعث افزایش درصد بی سوادی شده است.

از روزهای آغاز حمله آمریکا به عراق، بسیاری از مراکز آموزشی و کتابخانه‌ها نظیر کتابخانه ملی بغداد تخریب و کتب و وسایل آنها چپاول شدند. (۴۲) علاوه بر این تعدادی از وزارت‌خانه‌ها، از جمله وزارت آموزش و پرورش تعطیل شدند. (۴۳) بعد از اتمام حملات همه جانبه، در زمان حاکمیت دولت موقت عراق به ریاست پل برمر نیز، بیشتر آموزگاران بر اساس طرح بعضی زدایی، اخراج، بازداشت یا بعداً توسط جوخه‌های مرگ ترور شدند. در مقابل کسانی جایگزین آنان شدند که از جانب احزاب حاکم معرفی می شدند. این افراد برای درس دادن یا بسیار پیر بودند و یا مدارک معتبر نداشتند. (۴۴)

مسئله دیگری که برای نظام آموزشی مشکل ساز شده است مربوط به بازسازی مدارس و مراکز آموزشی تخریب شده می باشد. ظاهراً میلیاردها دلار صرف بازسازی مدارس عراق شده است که در جریان تهاجم آمریکا، به شدت بمباران شدند. اما کیفیت کار انجام شده توسط پیمانکاران خارجی مانند شرکت بکتل به قدری پایین بوده است که حتی با گذشت چند سال از اشغال، هزاران مدرسه در سراسر کشور در وضعیت اسفناکی به سر می برند. بیشتر این پول‌ها صرف نقاشی مجدد و خرید وسایلی شده است که دوام چندانی نداشته اند. همچنین مقادیر هنگفتی از پول‌های بازسازی ناپدید شد. (۴۵)

مانع دیگر بر سر راه نظام آموزشی در عراق عدم امنیت است. امروز، امنیت احتمالاً مُبرم‌ترین نیاز نظام آموزشی در عراق است. به علت وجود نا امنی در عراق، آموزگاران و دانش آموزان می گویند تردد بین خانه و مدرسه بسیار خطرناک است و در میان آنان ترس زیادی از ربوده شدن برای باج گیری و یا ترور توسط جوخه‌های مرگ وجود دارد. این مسئله در این سال‌ها عاملی شده است تا گرایش به تحصیل به نحو چشمگیری کاهش پیدا کند. همچنین زندگی در اردوگاه‌ها و مهاجرت‌های طاقت فرسا مانعی دیگر برای تحصیل در میان کودکان عراقی بوده است. بر اساس گزارش سال ۲۰۰۸ یونسف، حدود ۷۵ هزار کودک عراقی بدون امکان استفاده از امکانات تحصیلی در اردوگاه‌ها زندگی می کردند. ۲۵۰ هزار کودک مقطع ابتدایی نیز، در نتیجه مهاجرت از شهرهایشان، از تحصیل بازمانده بودند. البته در سال‌های قبل از این، این تعداد بسیار بیشتر بود، به نحوی که تنها در سال

۲۰۰۶، حدود ۷۶۰ هزار کودک عراقی از تحصیل بازمانده بودند. علاوه بر این صدها کودک در زندان‌ها به سر می‌بردند که برخی از آنها تنها ۹ سال سن داشتند. (۴۶)

اوضاع نابسامان اقتصادی نیز مزید بر علت شده است. بسیاری از خانواده‌ها تصمیم گرفته‌اند بچه‌هایشان را به جای مدرسه، به کار نظافت یا گدایی در خیابان وادارند. در سال ۲۰۰۶ وزارت آموزش عراق آماری را منتشر کرد که نشان می‌داد فقط ۳۰ درصد از ۳/۵ میلیون نفر جمعیت دانش آموزان کشور در سر کلاس حاضر می‌شوند. این تعداد نصف سال ۲۰۰۵ بود که ۷۵ درصد می‌شد. (۴۷) همه‌ی این مسائل و مشکلات که ذکر شد، از جمله اصلی‌ترین موانع بر سر راه سوادآموزی در بین مردم عراق است، به گونه‌ای که منابع رسمی عراقی در وزارت آموزش این کشور در اوایل سال ۲۰۱۰ گفته‌اند بیش از ۵ میلیون عراقی توانایی خواندن و نوشتن ندارند. (۴۸)

حمله آمریکا و متحدانش به عراق و تشکیل چند دولت پیاپی با عمر کوتاه در این کشور، موجب شده است بسیاری از ضروریات زندگی، از جمله توجه به تحصیل به فراموشی سپرده شود. گسترش پدیده بی‌سوادی، برجسته‌ترین مشکلی است که سازمان‌ها و نهادهای عراقی و بین‌المللی به آن توجه چندانی نشان نداده‌اند. بی‌سوادی در عراق اکنون به سطح هشداردهنده‌ای رسیده است. گزارش‌های دولت عراق نیز نشان می‌دهد شمار بی‌سوادان در این کشور ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است. این گزارش‌ها موجب شد کابینه عراق بیش از ۲۵ میلیون دلار بودجه برای مقابله با معضل بی‌سوادی اختصاص دهد اما گزارش سازمان یونسکو نشان می‌دهد تغییر چشمگیری در شمار بی‌سوادان در عراق مشاهده نشده است. (۴۹)

البته همه موانع و مشکلاتی که در بالا ذکر شد فقط مختص به سطح مدارس نیست، بلکه نظام دانشگاهی را نیز در برمی‌گیرد. نظام دانشگاهی عراق خود در زمان حکومت بعث (برعکس نظام مدرسه‌ای که در این دوره پیشرفت کرد) با مشکلات عدیده‌ای روبرو بود. با تحکیم اقتدار بعثی‌ها در اواخر دهه ۱۹۷۰، دانشگاه‌ها به نحوی فزاینده تابع تشکیلات حاکم شدند. در این سال‌ها بسیاری از اساتید با محدودیت تدریس در دانشگاه‌ها روبرو شدند و بسیاری دیگر نیز به علت جنگ و تحریم نتوانستند ادامه تحصیل دهند، همچنین آموزش زبان خارجی دچار افت شد و تحقیقات جدید در کشور بازتاب چندانی نیافت. در این دوره به ویژه کسانی که در زمینه‌ی علوم انسانی و اجتماعی فعالیت می‌کردند بیشتر در معرض آسیب قرار گرفتند، زیرا در مقایسه با آن دست از همکاری‌شان که در زمینه علوم

کار می کردند، از نظر رژیم اولویت کمتری داشتند. (۵۰)

سقوط نظام بعث و وضعیت فاجعه آمیزی که بعد از آن حاکم شد نظام دانشگاهی را نیز با مشکلات بسیاری روبرو کرد. در میان همه مشکلات ذکر شده در راه نظام آموزشی عراق، مسئله فقدان امنیت برای نظام دانشگاهی بسیار جدی تر است. (۵۱) از زمان اشغال کشور عراق و توسعه ناامنی و بی ثباتی در این کشور، تاکنون صدها نفر از نخبگان و اساتید دانشگاه‌های عراق مورد شکنجه، ترور و قتل عام قرار گرفته‌اند. همچنین جنگ عراق به گسترش پدیده فرار مغزها نیز انجامیده است. تخمین زده می‌شود که بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ نخبه عراقی از زمان سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی تا سال ۲۰۰۸، کشته یا ناپدید شده‌اند. نکته حائز اهمیت این است که تا کنون هیچ یک از عاملان این فجایع انسانی و ترورها، محاکمه و مجازات نشده‌اند، هر چند در این میان، مقامات سازمان ملل، دولت‌های آمریکا و انگلستان و همچنین رهبران عرب مسئولند. (۵۲)

علاوه بر این باید دانست که به دنبال سقوط رژیم صدام، ۴ هزار نفر از کارکنان دانشگاه‌های عراق نیز، به دلیل اتهام عضویت در رژیم بعث اخراج شدند. هر چند آنان تنها به دلیل استفاده از فرصت‌های شغلی، تن به عضویت در این حزب عامی پان عربیسم داده بودند البته به گفته یکی از اساتید عراقی، اشغالگران در سال‌های اخیر حتی در مورد محتوای تدریس شده به دانشجویان نیز دخالت می‌کنند، ممنوعیت استفاده از نقشه‌های نشان دهنده مرزهای دولت فلسطین و تعطیلی مؤسسه مطالعات فلسطین در بغداد هم بخشی از همین اعمال فشارها می‌باشد. (۵۳)

در نتیجه می‌توان گفت که حمله آمریکا به عراق نه تنها هیچ سودی برای نظام آموزشی در عراق نداشته، بلکه باعث آسیب شدیدی به این نظام شده است. هر چند اکنون تلاش‌هایی برای رفع این مشکلات انجام می‌شود، اما هیچکدام از این تلاش‌ها تأثیر چندانی در بهبود این وضعیت نداشته است و هم اکنون نیز این مشکل به صورت گسترده‌ای وجود دارد.

۴. وضعیت بهداشتی و درمانی

وضعیت بهداشت عمومی در دوره حکومت صدام حسین، به ویژه همزمان با آغاز تحریم‌های آمریکا بسیار نامناسب بود، به طوری که در طول ۱۳ سال تحریم عراق، بیش از یک میلیون نوزاد عراقی به علت عدم دسترسی به دارو، مواد و وسایل بهداشتی جان خود

را از دست دادند و بسیاری بر اثر گرسنگی مردند. اما این وضعیت نامناسب با آغاز حمله آمریکا به عراق تشدید، و بسیار وخیم تر از گذشته شد. از همان ابتدای حمله، نیروهای ائتلاف برخلاف معاهدات بین المللی، در حملات خود به طور گسترده‌ای از سلاح‌های غیرمتعارف و ضد نفر استفاده کردند. نیروهای ائتلاف، بارها در مناطق پر جمعیت عراق، از سلاح‌های آتش افروز و مهمات حاوی فسفر، بمب‌های خوشه‌ای و مهمات حاوی اورانیوم ضعیف شده استفاده کردند. در تمامی این موارد، آمریکا و هم دستانش، معاهدات بین المللی مبنی بر منع کاربرد سلاح‌های ضد نفر و غیر متعارف را نقض کردند. (۵۴) در این نبرد، آمریکایی‌ها از برخی سلاح‌ها استفاده می‌کردند که نوآوری‌هایی در زمینه داروسازی و علوم اعصاب نظری (نوروساینس) بودند. در این سلاح‌ها مولوکول‌هایی برنامه‌ریزی شده است تا ساز و کارهای تنظیم کننده عملکرد سیستم عصبی و یا ریتم قلبی را هدف قرار دهد. (۵۵)

حمله نیروهای آمریکایی به عراق باعث تعطیل شدن ۱۷ وزارت خانه (از جمله وزارت خانه بهداشت) شد و به بیمارستان‌های عراق نیز حملاتی انجام گرفت که باعث تخریب آنها و مشکلات درمانی گردید (۵۶). همچنین این حملات باعث تخریب شهرها، قطع آب، برق، ارسال غذا و به ویژه قطع دارو شد. در این حملات صدها هزار نفر بی خانمان، و همین تعداد در اردوگاه آوارگان در شرایط نامناسب بهداشتی و غذایی زندگی کردند. (۵۷)

اما پیامدهای حمله آمریکا فقط مربوط به زمان جنگ نمی‌شود. زیرا این پیامدها، مانند جنگ ویتنام تا سال‌های دیگر نیز پابرجا خواهد بود به گونه‌ای که با گذشت زمان، اثرات جنگ و اورانیوم ضعیف شده به صورت انواع بیماری‌ها و روان پریشی‌ها آشکارتر خواهد شد و روز به روز به آمار تلفات این جنگ افزوده می‌شود و مواد سمی مرگبار گسترش می‌یابند. (۵۸) از جمله بیماری‌هایی که سال‌ها بعد از جنگ آشکار گشته است، افزایش میزان مبتلایان به سرطان است که به علت استفاده آمریکاییان از اورانیوم ضعیف شده در جنگ‌های سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۳ در عراق، مقدار آن نسبت به قبل از سال ۱۹۹۰، ۱۰ برابر شده است. دکتر جواد العلی مدیر بزرگترین مرکز غده شناسی بیمارستان بصره، طی کنفرانسی در ژاپن گفت: «علاوه بر گسترش شدید و کم سابقه سرطان، دو چیز عجیب که هرگز مشابه آن نبوده در عراق رخ داده است: یکی وجود سرطان‌های دوگانه و سه گانه در یک فرد است. به عنوان مثال فردی هم سرطان معده داشته باشد هم روده و هم خون، و

دوم وجود سرطان به صورت خوشه‌ای در یک خانواده. برای مثال در بعضی خانواده‌ها حتی ۹ نفر به سرطان مبتلا شده‌اند.»

وی در ادامه می‌گوید «کودکان عراقی بیش از دیگران از آلودگی‌های هسته‌ای آسیب دیده‌اند. بدن این کودکان (به علت در سن رشد بودن) تشعشع بیشتری را جذب می‌کند. به همین دلیل سرطان غدد لنفاوی که به ندرت در میان کودکان دیده می‌شود در کشور عراق به یک پدیده عادی تبدیل شده است.» البته پیامدهای این بیماری مرگبار تنها به عراق محدود نمی‌شود، زیرا این مواد اکنون در خاک و هوای عراق مدفون شده است، در نتیجه با گسترش پدیده گرد و خاک که ریشه از بیابان‌های عراق دارد، سایر کشورهای خاورمیانه (از جمله ایران)^۱ و حتی آسیای شرقی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. (۵۹)

ابتلا به بیماری‌های خونی و نارسایی‌های جسمی در نوزادان، از دیگر آثار جنگی در کشوری است که آمریکا برای آزادی و گسترش دموکراسی در آن گام نهاد. گسترانیدن بارانی از ذرات سرطان زای اورانیومی و فسفوری در فضای شهر بغداد و دیگر شهرهای مهم عراق عامل اصلی گسترش بیماری‌های مذکور است. (۶۰)

از آثار ویرانگر جنگ و ناامنی در عراق بعد از جنگ که کمتر بدان پرداخته شده است بیماری‌های روحی و روانی کودکان عراقی است. کودکانی که به دلیل مهاجرت‌های طاقت فرسا، مرگ و میر اعضای خانواده، انفجارهای پیاپی، اوضاع اقتصادی نامناسب و ... به اختلالات روحی و روانی دچار شده‌اند. اختلالاتی که بی‌توجهی به آن به شکل‌گیری نسلی از کودکان بیمار انجامیده است. برخی از این کودکان که با چشمان خود شاهد شکنجه و کشته شدن پدر و مادرانشان بوده‌اند به شدت دچار وحشت شده‌اند. طبق بررسی‌های وزارت بهداشت عراق در ۳۰ درصد کودکان نشانه‌های شوک روحی مانند اختلال در خواب و تمرکز و نیز ترس و وحشت دیده شده است.

سزار چالالا^۲ می‌گوید: «هم اکنون شمار قابل توجهی از کودکان عراقی به اختلالات ناشی از اضطراب پس از جنگ مبتلا شده‌اند. این بیماری یکی از درد آورترین

۱. پدیده گرد و خاک یکی از مشکلاتی است که در چند سال اخیر به صورت مکرر مشکلاتی را برای کشورمان، به ویژه بخش‌های غربی آن به وجود آورده است. شدت این پدیده گاهی اوقات به حدی است که شعاع دید انسان حداکثر به چند متر می‌رسد. در حالی که بسیاری از مردم فقط به مشکلات ظاهری این قضیه نگاه می‌کنند، اما در ورای آن بسیاری از بیماری‌ها (از جمله سرطان) نهفته است.

۲. Chelala Cesar. دکتر سزار چالالا. خبرنگار خارجی برای خاورمیانه از طرف استرالیا. برنده جایزه مطبوعاتی باشگاه از آمریکا.

بیماری‌هایی است که آن را می‌توان شناخته‌شده‌ترین میراث جنگ عراق دانست. افتتاح نخستین کلینیک درمان کودکان مبتلا به این اختلال در ماه اوت سال ۲۰۰۸ در بغداد، نشان دهنده جدیت این میراث است. دکتر اسعدی، رئیس دانشکده مرکز پژوهش‌های روان شناسی بغداد در گزارشی اعلام کرده است که «هم اکنون ۲۸ درصد از کودکان عراقی به این اختلال مبتلا هستند که این رقم در حال افزایش است. وی تأثیر انفجارهای روزمره، قتل عام و آدم ربایی و... را در شکل گرفتن این شرایط مهم می‌داند. (۶۱)

همچنین هراس از آدم ربایی‌ها و بمب گذاری‌ها استرس فراوانی را برای کودکان ایجاد کرده است. در مطالعه‌ای نادر، انجمن روان شناسان عراق اعلام نمود که خشونت‌ها در عراق بر میلیون‌ها کودک عراقی تأثیر گذاشته و نگرانی‌هایی جدی را برای نسل‌های بعدی به وجود آورده است. (۶۲) جدا از رنج‌های برآمده از اختلالات روحی و روانی، بسیاری از کودکان از وضعیت بهداشتی اسفناک ناشی از زندگی در اردوگاه‌ها زجر می‌کشند. اطلاعات جمع آوری شده توسط یونیسف نشان می‌دهد که در آغاز سال ۲۰۰۸ هزاران کودک عراقی در شرایط بسیار نامناسب اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند. البته در سال‌های ابتدایی سقوط تعداد آوارگان نسبت به امروز بسیار بیشتر بود.

وضعیت نامناسب بهداشتی کودکان حتی به یتیم‌خانه‌ها نیز کشیده شده است. در این یتیم‌خانه‌ها شرایطی وجود دارد که وجدان هر انسانی را به درد می‌آورد. در تصاویری که از شبکه تلویزیونی «سی بی اس» آمریکا پخش شده بود، ده‌ها کودک عراقی را به نمایش گذاشته شده بود که برخی از آنها به تخت خواب بسته شده و برخی دیگر بر مدفوع خود می‌غلتیدند، برخی نیز دچار سوء تغذیه بوده و با پوست به استخوان چسبیده طوری روی زمین افتاده بودند که انگار جان در بدن نداشتند. (۶۳)

همچنین به علت حملات وحشیانه و دامنه دار آمریکاییان به شهرک صدر در اوایل سال ۲۰۰۸ مشکلات گسترده‌ای در زمینه ارائه خدمات بهداشتی، تأمین آب شرب بهداشتی، تهیه مواد غذایی و... این منطقه شیعه‌نشین را فرا گرفت. به طوری که اوضاع انسانی در این شهرک بسیار خطرناک و نگران کننده شد و به مرگ صدها نفر از ساکنین این منطقه به ویژه زنان و کودکان بی‌گناه انجامید. (۶۴)

علاوه بر بیماری‌های ذکر شده، کشور عراق هم اکنون در معرض بسیاری از بیماری‌های دیگر است. سازمان بهداشت جهانی در جدیدترین گزارش خود تعدادی از بیماری‌های شایع در عراق را برشمرده است. این بیماری‌ها که امروزه در عراق بسیار شایع

هستند عبارتند از هپاتیت، تب تیفوئید و سل. این سازمان در ادامه آورده است که وضعیت بهداشت عمومی با توجه به اوضاع آشفته این کشور از جنگ اول خلیج فارس تا کنون به حداقل ممکن رسیده است و حتی آب آشامیدنی بهداشتی به جز در بعضی شهرهای بزرگ وجود ندارد. همچنین این سازمان گزارش کرده است که لازم است قبل از سفر به این کشور کنترل نمائید واکسن‌های چهارگانه (کزاز، دیفتیری، فلج اطفال و سرخک) خصوصاً اطفال را در تاریخ مقرر زده باشید. همچنین بهتر است قبل از مسافرت خود را در برابر بیماری‌های تب زرد، تب تیفوئید و هپاتیت نوع A و B واکسینه نمائید. این سازمان در ادامه وجود بیماری‌های مسری نظیری هپاتیت B و ایدز نیز هشدار داده است. (۶۵)

یکی از مشکلات بهداشتی که سازمان بهداشت جهانی نیز بر خطرناک بودن آن بسیار تأکید داشته است مسئله آب آشامیدنی است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در عراق در سال ۲۰۰۸، طی گزارشی اعلام کرد: «میلیون‌ها عراقی از نظر بهداشتی، خدمات آبرسانی و شبکه فاضلاب نامناسب، در رنج به سر می‌برند. بر اساس این گزارش، حدود ۴۰ درصد از مردم عراق در منازل زندگی می‌کنند که به شبکه آبرسانی متصل نیست و بیشتر آنها مجبور هستند از آب رودخانه و چاه‌های آلوده استفاده کنند. شرایط این افراد به حدی نگران‌کننده است که برای تهیه ۱۰ لیتر آب مناسب، باید ۵ سنت آمریکایی بپردازند، در غیر این صورت مجبور هستند از آب رودخانه و چاه‌های آلوده استفاده کنند. بر طبق این گزارش، حتی منازل مجهز به لوله کشی آب نیز با مشکل کمبود آب و یا پمپاژ رو به رو هستند و در نتیجه این اوضاع، بسیاری از مردم به بیماری‌های منتقل شده از طریق آب مبتلا می‌شوند و این موضوع کار بیمارستان‌ها و مطب‌ها را که از کمبود دارو رنج می‌برند، مشکل‌تر کرده است». (۶۶)

اما معضل دیگر در عراق بعد از سقوط صدام، مشکل کمبود اماکن بهداشتی و بیمارستان است. مشکلی که بر اثر سهل‌انگاری و فساد مالی شرکت‌های آمریکایی تشدید شد. برای مثال شرکت پارسونز در مارس ۲۰۰۴، برنده قراردادی به ارزش ۲۵۲ میلیون دلار برای ساخت ۱۵۰ کلینیک محلی در عراق شد. اما در سال بعد، در حالیکه ۱۸۶ میلیون دلار از بودجه این طرح مصرف شده بود، تنها پنج کلینیک تکمیل شده بود. این در حالی بود که سپاه مهندسين ارتش ایالات متحده، به عنوان ناظر طرح، با اطلاع از اهمال پیمانکار هیچ اقدامی نکرده بود. (۶۷)

بیمارستان کودکان بصره، پروژه‌ای بود که ایالات متحده به آن افتخار می‌کرد و از

جانب لورا بوش، بانوی اول وقت آمریکا و کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده حمایت می‌شد. شرکت بکنل به عنوان پیمانکار این قرارداد، با دریافت ۵۰ میلیون دلار از صندوق کمک‌های ایالات متحده، متعهد شد این پروژه را تا دسامبر ۲۰۰۵، تکمیل کند. بازرسان پروژه در ژوئیه سال ۲۰۰۶، متوجه شدند این پروژه از برنامه زمان بندی خود عقب است و برای تکمیل به ۱۵۰ تا ۱۷۰ میلیون دلار بودجه نیازمند است. (۶۸)

به طور کلی هرچند بعضی طرح‌ها مانند ساخت تعدادی بیمارستان، یا تلاش‌هایی برای رساندن آب سالم و اقدامات دیگری در زمینه بهداشتی و درمانی انجام گرفته، اما این اقدامات مختصر نتوانسته است در حل مشکلات مردم عراق کارگشا باشد و هنوز نیز مشکلات بهداشتی و درمانی گریبان گیر این کشور می‌باشد، به طوری که حتی زوارهایی که از کشورمان و سایر کشورها به زیارت ائمه مشرف می‌شوند با مشکلات گسترده بهداشتی روبه رو هستند.

نتیجه گیری

آنچه که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت پاسخ به این سؤال بود که وضعیت اجتماعی عراق بعد از سقوط نظام بعثی چگونه بوده است؟ در پاسخ به سؤال مذکور ابعاد گوناگون وضعیت اجتماعی زندگی مردم عراق از لحاظ وضعیت قومی - فرقه‌ای، وضعیت اقتصادی، وضعیت آموزشی و وضعیت درمانی بررسی شد و نتیجه این که حضور آمریکا و سایر کشورهای اشغال گر در عراق اگر چه دیکتاتوری صدام و نظام بعثی را ساقط کرد، اما باعث ایجاد و تشدید مشکلات بسیاری در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی مردم عراق بر خلاف ادعای آمریکایی‌ها شد.

با گذشت بیش از هفت سال از حمله آمریکا به عراق، شکاف‌های قومی - فرقه‌ای غیر فعال گذشته فعال شده و به خشونت‌ها و ناامنی‌های گسترده در عراق انجامیده است. مشکلات ناشی از شکاف‌های قومی و خشونت‌های فرقه‌ای همچنان ادامه دارد. وضعیت اقتصادی مردم عراق در این مدت نه تنها بهبود نیافته است، بلکه نرخ بیکاری، تورم، فقر نیز افزایش یافته و به تبع آن پدیده‌هایی چون قاچاق کودکان، زنان و روسپی‌گری زنان گسترش یافته است. به دلیل وجود مشکلات گسترده‌ای مانند ناامنی، وضعیت نابسامان اقتصادی، بیکاری فزاینده، اخراج بسیاری از متخصصان، ترور بسیاری از اساتید و ... وضعیت آموزشی نیز در سطوح مختلف دچار اختلال شده تا حدی که منجر به گرایش

منفی به ادامه تحصیل و افزایش بی‌سوادی شده است. وضعیت بهداشتی مردم عراق بعد از سقوط صدام نیز بدتر از گذشته شده است، به نحوی که در طول بیش از هفت سال از سقوط صدام انواع بیماری‌های مهلک از جمله سرطان در عراق به ویژه در میان کودکان گسترش یافته است و بسیاری از مراکز بهداشتی تخریب شده و مراکز بهداشتی مناسب جدید تأسیس نشده است.

در نهایت گرچه عراق با شعار صدور دموکراسی و بهبود وضعیت زندگی مردم مورد اشغال قرار گرفت، ولی با گذشت زمان نه تنها وضعیت اجتماعی مردم عراق بهبود نیافت بلکه بر خلاف ادعاهای کاذب اشغالگران بدتر از گذشته هم شد به نحوی که برای بهبود آن باید سال‌ها منتظر ماند. البته با این وجود بنا به گفته حنا اعلم «طبق گزارش‌ها و اسناد سازمان‌های بین‌المللی اکثریت مطلق مردم عراق دلشان برای دوران تسلط صدام تنگ نشده است... دل آنها فقط برای زندگی کردن در شرایطی مناسب و بدون فاجعه تنگ شده است». (۶۹)

۲۲. علی اکبر اسدی، "شرایط و روند تحولات امنیتی عراق و چالش های

پیش رو"، فصلنامه مطالعات منطقه ای، جهان اسلام، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۵۶.

۲۳. بی نام، "اخبار عراق"، ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۴۵، مرداد ۱۳۸۸، ص ۱۶.

۲۴. غلامرضا گلن زواره، "عراق در بستر تاریخ"، مجله درسهایی از مکتب اسلام،

شماره ۲، خرداد ۱۳۸۵، ص ۴۷.

۲۵. میرسعید مهاجرانی، "وضعیت اقتصادی عراق: قبل و بعد از اشغال

نظامی"، مجله مصباح، شماره ۵۴، آذر دی ۱۳۸۳، ص ۱۶۷.

۲۶. اسماعیل سهایی، (۱۳۸۳)، "وقتی عراق می میرد"، مجله زمانه، شماره ۲۱،

خرداد ۱۳۸۳، ص ۸۵.

27. O'Hanlon, Michael. "Iraq index". Massachusetts: The brookings institution. 2005. pp. 27 - 34.

۲۸. سینا مالکی، "اشغال عراق و افکار عمومی (سایر موارد)"، مجله چشم انداز ایران، ویژه نامه، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۲۲.

29. Ozlu Onur. "Iraq Economic Reconstruction and development". April 21, 2006. www. Csis.org. p. 27.

۳۰. خبرگزاری فارس، "۲۳ درصد مردم عراق زیو خط فقر هستند" تاریخ

نصب خبر ۱۳۸۷/۱، تاریخ بایابی ۱۳۸۹/۳/۳. شماره خبر ۸۰۰۷۰۱۰۹۵۹. برگرفته از

www. Farsnews.com/ newstext. Php?

۳۱. خبرگزاری تابناک، تاریخ انتشار ۱۳۸۷/۱۲/۱۸. تاریخ بایابی ۱۳۸۹/۳/۳. کد خبر

www. Tabnak.ir/fa/pages/?cid=39785

۳۲. خبرگزاری فارس، "۲۳ درصد مردم عراق زیو خط فقر هستند" پیشین.

۳۳. ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۲۸، اسفند ۱۳۸۶، ص ۲۳.

34. D3 Systems, Iraq Poll 2007. "The Pool was conducted by D3 System for the News. ARD German TV and USA Today". March 2007.

۳۵. ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۴۲، اردیبهشت ۱۳۸۸، صص ۲۵، ۲۸.

۳۶. همان.

۳۷. خبرگزاری فارس، "گزارش یونسف: اوضاع کودکان عراق با حضور

آمریکا در این کشور بدتو شده است." تاریخ انتشار ۱۳۸۶/۴/۲۶، تاریخ بایابی

۱۳۸۹/۳/۷، شماره خبر ۸۶۰۴۲۶۰۰۹۹. برگرفته از

http://www. farsnews.com/newstext. php?nn=86

04260099

38. kouri, Jim. "Human Trafficking and Sexual

Explonation in Iraq." www. The American chronicle.

Com/ article/ asp?/6650/. 7 march 2006.

۳۹. نسا شاه نوری، "خشونت نسبت به زنان پس از حمله آمریکا به عراق"،

مجله مطالعات زنان، شماره ۴، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸.

۴۰. روزنامه همشهری، ۱۳۸۵/۹/۴.

۴۱. غلامرضا گلن زواره، "عراق در بستر تاریخ، مجله درسهایی از مکتب

اسلام، شماره ۴، تیر ۱۳۸۵، ص ۲۸.

۴۲. فیروزه میر مطهری، "روزنامه: دانشگاه های عراق"، مجله گفت و گو، شماره

۴۱، بهمن ۱۳۸۳، ص ۱۴۲.

۴۳. سینا مالکی، "گزارش جنگ و اشغالگری در عراق: فصل اول"، مجله چشم

انداز ایران، ویژه نامه، زمستان ۱۳۸۶، ص ۵۵.

پی نوشت:

۱. یونس شکر خواه و فاطمه کمالی چیرانی، "روزنامه نگاری همراه و پوشش

خبری جنگ عراق: مطالعه موردی فاکس نیوز"، مجله تحقیقات فرهنگی،

شماره ۵، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۵۵ و ۱۵۹.

۲. ولی کوزره گر کالجی، "تأملی بر وضعیت پیچیده انتخابات پارلمانی

عراق"، گزارش، شماره ۲۱۷، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۹، ص ۷۰.

۳. مجتبی مقصدی، "تشن گروه های قومی در شکل دهی نظام سیاسی

عراق با تأکید بر تشن کردها در عراق پس از سقوط بغداد، تهران: انتشارات

وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴، صص ۱۲۶ تا ۱۲۸.

۴. ولی کوزره گر کالجی، پیشین.

۵. محمود واعظی، "امنیت سازی در عراق: بازیگران و رویکردها"، تهیه شده

در مرکز مطالعات استراتژیک/معاونت پژوهش های سیاست خارجی، نشر در: عراق

پس از صدام و بازیگران منطقه ای، شماره ۱۲، تیر ۱۳۸۷، برگرفته از www.crs.ir.

6. Nasr, Val R. "Prepared Testimony Before the Senate

Committee on Foreign Relations", January 17, 2007,

www. CFR Org

۷. حسن دهشیار، "عراق: امنیت به مثابه هویت"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه،

شماره های ۵۰ و ۵۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۶، ص ۳۶.

8. Lewis, Berhard. "freedom and justice in the modern

middle east". Foreign affair. May - gune 2005

۹. برتا بلداجی، "شیعیان عراق: بررسی وضعیت جامعه شناختی"، مجله شیعه

شناسی، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۴۸.

10. Krasner, D. Stephen and Pascual, Carlos. (2005).

"addressing state failure". Foreign affair. July - agust

2005. P.64.

11. Gurr, Ted Robert. "Peoples Versus States: Minorities

at Risk in the New Century". Washington D.C: United

States Institute of Peace. 2000. P. 65.

۱۲. محمود واعظی، پیشین.

۱۳. علی اکبر اسدی، "شیعیان و سنی ها در جامعه عراق، همگرایی یا

واگرایی"، ماهنامه نهضت، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۳، ص ۸۴.

۱۴. محمود واعظی، پیشین.

15. Nasr, Vali R. "When the Shiites Rise". Foreign Affairs.

July/ August 2006.

۱۶. گروه مطالعات امنیت و تروریسم، "معزل امنیت در عراق و مؤلفه های

تأثیر گذار"، مؤسسه فصلنامه جهان اسلام، شماره ۲۹، شهریور ۱۳۸۶، ص ۱۰۱.

۱۷. مراد وحسی، "عراق ۱۳۸۵ و چشم انداز ۱۳۸۶"، مجله آین، شماره ۶، اسفند

۱۳۸۵، ص ۸۱.

۱۸. همان.

19. Riedel, Bruce. "Al Qaeda strike back". Foreign affair.

May - june 2007. P. 2.

۲۰. محمود واعظی، پیشین.

21. Iraq Index. "Tracking Variables of Reconstruction &

Security in post - Saddam Iraq". May 31, 2007.

www. Brookings.edu/iraqindex.

منابع:

۱. آربونات، فیلیستی. "نخبگان و دانشگاهیان عراقی قربانیان تجاوز و اشغالگری". مجله سیاحت غرب، شماره ۵۲، آبان ۱۳۸۶.
۲. اسدی، علی اکبر. "شیعیان و سنی‌ها در جامعه عراق، همگرایی یا واگرایی"، ماهنامه نهضت، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۸۳.
۳. ---. "شرایط و روند تحولات امنیتی عراق و چالش‌های پیش رو"، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ جهان اسلام، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۸.
۴. بلداجی، برنا. "شیعیان عراق؛ بررسی وضعیت جامعه شناختی"، مجله شیعه شناسی، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۳.
- دهشیار، حسن. "عراق: امنیت به مثابه هویت"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره‌های ۵۰ و ۵۱، تابستان و پاییز ۱۳۸۶.
۵. بی‌نام، "اخبار عراق"، ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۴۵، مرداد ۱۳۸۸.
۶. بی‌نام، "عوارض جنگ و اشغالگری در عراق". دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۴۷، دی و بهمن ۱۳۸۶.
۷. خبرگزاری فارس، "۲۳ درصد مردم عراق زیر خط فقر هستند". تاریخ نصب خبر ۱۳۸۸/۷/۱، تاریخ بازیابی ۱۳۸۹/۳/۳. شماره خبر ۸۸۰۷۰۱۰۹۵۹. بر گرفته از www.farsnews.com/newstext.php
۸. خبرگزاری تابناک، تاریخ انتشار ۱۳۸۷/۱۲/۱۸. تاریخ بازیابی ۱۳۸۹/۳/۳. کد خبر ۳۹۷۸۵. بر گرفته از
۹. سهامی، اسماعیل. "وقتی عراق می‌میرد"، مجله زمانه، شماره ۲۱، خرداد ۱۳۸۳.
۱۰. خبرگزاری فارس، "گزارش یونسف: اوضاع کودکان عراق با حضور آمریکا در این کشور بدتر شده است". تاریخ انتشار ۱۳۸۶/۴/۲۶، تاریخ بازیابی ۱۳۸۹/۳/۷، شماره خبر ۸۶۰۴۲۶۰۰۹۹.
۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۱۳۸۸/۱۱/۲۵. بر گرفته از: www.irna.ir
۱۲. خبرگزاری فارس، "انتقاد خطیب شیعیان عراق از وضعیت کودکان یتیم خانه های بغداد". تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۴/۱. تاریخ بازیابی: ۱۳۸۹/۳/۲۰. شماره خبر: ۸۶۰۴۰۱۰۲۳۴.
۱۳. سی کوهلر، رابرت. "محیط زیست: گسترش دهندگان سرطان"، مجله سیاحت غرب، شماره ۵۳، آذر ۱۳۸۶.
۱۴. سینا مالکی، "اشغال عراق و افکار عمومی (سایر موارد)"، مجله چشم انداز ایران، ویژه نامه، زمستان ۱۳۸۶.
۱۵. شاه نوری، ندا. "خشونت نسبت به زنان پس از حمله آمریکا به عراق"، مجله مطالعات زنان، شماره ۲، ۱۳۸۷.
۱۶. شکر خواه، یونس و کمالی چیرانی. فاطمه، "روزنامه نگاری همراه و پوشش خبری جنگ عراق: مطالعه موردی فاکس نیوز"، مجله تحقیقات فرهنگی، شماره ۵، بهار ۱۳۸۸.
۱۷. رایت، استو. "استفاده از دارو به مثابه سلاح جنگی"، مجله سیاحت غرب، شماره ۵۰، شهریور ۱۳۸۶.
۱۸. زین، هوارد. "ما در عراق چه می‌کنیم؟"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۱۵ و ۲۱۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۴.

۴۴. روزنامه همشهری، ۱۳۸۵/۹/۴.
۴۵. همان.
46. Chelala Cesar. "Iraqi Children Bear the Costs of War". www.commondreams.org/view/2009/3/05-0-5 March 2009.
۴۷. روزنامه همشهری، ۱۳۸۵/۹/۴.
۴۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۱۳۸۸/۱۱/۲۵. برگرفته از: www.ima.ir
۴۹. همان.
۵۰. فروزه میرمطهری، پیشین، صص ۱۴۴-۱۴۱.
۵۱. همان
۵۲. فیلیستی آربونات، "نخبگان و دانشگاهیان عراقی قربانیان تجاوز و اشغالگری"، مجله سیاحت غرب، شماره ۵۲، آبان ۱۳۸۶، صص ۶۴-۶۰.
۵۳. همان.
۵۴. سینا مالکی، "گزارش جنگ و اشغالگری در عراق: فصل اول"، پیشین صص ۵۰-۵۱.
۵۵. استورایت، "استفاده از دارو به مثابه سلاح جنگی"، مجله سیاحت غرب، شماره ۵۰، شهریور ۱۳۸۶، صص ۱۱۷-۱۱۶.
۵۶. سینا مالکی، پیشین، ص ۵۵.
۵۷. پیشین، ص ۵۱.
۵۸. هوارد زین، "ما در عراق چه می‌کنیم؟"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۱۵ و ۲۱۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، صص ۱۶۴.
۵۹. رابرت سی کوهلر، "محیط زیست: گسترش دهندگان سرطان"، مجله سیاحت غرب، شماره ۵۳، آذر ۱۳۸۶، صص ۱۱۱-۱۰۹.
۶۰. همان.
61. Chelala Cesar. Op.Cit.
62. Howard Michael. "Children of War: the Generation Traumatized by Violence in Iraq". www.Guardian.co.uk/world/2007/feb/06/Iraq.top.stories. 6 February 2007.
۶۳. خبرگزاری فارس، "انتقاد خطیب شیعیان عراق از وضعیت کودکان یتیم خانه های بغداد". تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۴/۱. تاریخ بازیابی: ۱۳۸۹/۳/۲۰. شماره خبر: ۸۶۰۴۰۱۰۱۳۳۴. بر گرفته از <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=860401023>
- 4
۶۴. ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۳۰، اردیبهشت ۱۳۸۷، صص ۲۵.
۶۵. www.who.int/countries/en/15/5/2010
۶۶. ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۳۷، آذر ۱۳۸۷، صص ۲۸.
۶۷. بی‌نام، "عوارض جنگ و اشغالگری در عراق". دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۴۷، دی و بهمن ۱۳۸۶، صص ۹.
۶۸. همان.
۶۹. ندا شاه نوری، پیشین، صص ۱۴۴.

۱۹. کوزه گر کالجی، ولی. "تأملی بر وضعیت پیچیده انتخابات پارلمانی عراق"، گزارش، شماره ۲۱۷، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۹.
۲۰. گلی زواره، غلامرضا. "عراق در بستر تاریخ"، مجله درسهایی از مکتب اسلام، شماره ۲، خرداد ۱۳۸۵.
۲۱. "عراق در بستر تاریخ، مجله درسهایی از مکتب اسلام، شماره ۴، تیر ۱۳۸۵.
۲۲. گروه مطالعات امنیت و تروریسم، "معضل امنیت در عراق و مؤلفه های تأثیر گذار"، مؤسسه فصلنامه جهان اسلام، شماره ۲۹، شهریور ۱۳۸۶.
۲۳. مالکی، سینا. "گزارش جنگ و اشغالگری در عراق: فصل اول"، مجله چشم انداز ایران، ویژه نامه، زمستان ۱۳۸۶.
۲۴. ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۳۰، اردیبهشت ۱۳۸۷.
۲۴. ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۳۷، آذر ۱۳۸۷.
۲۶. ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۲۸، اسفند ۱۳۸۶.
۲۷. ماهنامه اخبار شیعیان جهان، شماره ۴۲، اردیبهشت ۱۳۸۸.
۲۸. مقصودی، مجتبی. نقش گروه های قومی در شکل دهی نظام سیاسی عراق با تأکید بر نقش کردها در عراق پس از سقوط بغداد، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
۲۹. مهاجرانی، میرسعید. "وضعیت اقتصادی عراق: قبل و بعد از اشغال نظامی"، مجله مصباح، شماره ۵۴، آذر و دی ۱۳۸۳.
۳۰. میر مطهری، فیروزه. "روزنامه: دانشگاه های عراق"، مجله گفت و گو، شماره ۴۱، بهمن ۱۳۸۳.
۳۱. واعظی، محمود. "امنیت سازی در عراق: بازیگران و رویکردها"، مرکز مطالعات استراتژیک/ معاونت پژوهش های سیاست خارجی، نشر در: عراق پس از صدام و بازیگران منطقه ای، شماره ۱۲، تیر ۱۳۸۷، برگرفته از www.crs.ir.
۳۲. ویسی، مراد. "عراق ۱۳۸۵ و چشم انداز ۱۳۸۶"، مجله آیین، شماره ۶، اسفند ۱۳۸۵.
۳۳. Chelala Cesar. "Iraqi Children Bear the Costs of War". www.Commondreams.org/view/2009/3/05-0. 5 March 2009.
۳۴. Gurr, Ted Robert. "Peoples Versus States: Minorities at Risk in the New Century". Washington D.C: United States Institute of Peace. 2000. P. 65 .
35. Howard Michael. "Children of War: the Generation Traumatized by Violence in Iraq". www.Guardian.co.uk/world/2007/feb/06/Iraq.top stories. 6 February 2007
۳۶. Iraq Index. "Tracking Variables of Reconstruction & Security in post - Saddam Iraq". May 31, 2007. www.Brookings.edu/iraqindex.
37. kouri, Jim. "Human Trafficking and Sexual Exploitation in Iraq." www.TheAmerican 7 march 2006
۳۸. Krasner, D. Stephen and Pascual, Carlos. (2005). "addressing state failure". Foreign affair. July – august 2005. P.64 .
۳۹. Lewis, Berhard. "freedom and justice in the modern middle east". Foreign affair. May – June 2005
۴۰. Nasr, Val R. "Prepared Testimony Before the Senate Committee on Foreign Relations". January 17, 2007. www.CFR.org
۴۱. Nasr, Vali R. " When the Shiites Rise". Foreign Affairs. July/ August 2006 .
۴۲. Ozlu Onur. "Iraq Economic Reconstruction and development". April 21,
۴۳. O'Hanlon, Michael. "Iraq index". Massachusetts: The brookings institution. 2005. pp. 27 - 34
۴۴. Riedel, Bruce. "Al Qaeda strike back". Foreign affair. May – June 2007. P. 2